



مطالعه دغدغهی آموزش و پرورش

نشست علمی ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس

نشست «ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس» در سال ۱۳۹۸ در دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، با حضور دکتر مهدی علیپور حافظی، دکتر مصطفی قادری، دکتر میترا صمیعی، دکتر علیرضا صادقی، دکتر سیما ویسی‌نژاد؛ مهندس سید سعید بدیعی و همچنین تعدادی از دانشجویان، آموزگاران و مدیران مدرسه‌ها، و کارشناسان دانشگاه فرهنگیان برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارش خلاصه‌شده‌ی سخنرانی‌های ارائه‌شده در این جلسه است.

تعامل در ایجاد فرهنگ مطالعه

در ابتدای جلسه، دکتر مهدی علیپور حافظی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، که اداره‌ی جلسه را نیز برعهده داشت، هدف اصلی از برگزاری این گونه نشست‌ها را کمک به حل مشکلات و گام برداشتن در مسیر تعامل بیشتر بین صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امور اجرایی در بخش‌های گوناگون اعلام کرد و افزود: در همین راستا، نشست «ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس» بیشتر با هدف تعامل با همکاران تلاشگر در وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه، از جمله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، که در حوزه‌ی تولید و توزیع منابع آموزشی و از جمله کتاب‌های درسی و مجلات رشد فعال هستند، با موضوع «فرهنگ مطالعه در مدارس» برگزار می‌شود.

وی اذعان داشت، به نظر می‌رسد که یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش باید تربیت افرادی باشد که بتوانند در حل موضوعات و مسائل مهم جامعه کمک کنند.

انتقال میراث فکری، بزرگ‌ترین کارکرد کتابخانه‌های ایران باستان

در ادامه‌ی این جلسه، دکتر مصطفی قادری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، سخنرانی خود را با عنوان «تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها در مدارس ایران» ارائه کرد. وی گفت: «ما دارای تاریخی طولانی و قدمتی بسیار زیاد در زمینه‌ی پایه‌گذاری کتابخانه هستیم. ما در ایران قدیم و از ۲۷۰۰ سال قبل کتابخانه داشته‌ایم.

کتابخانه‌ی «آشور بنی‌پال» از جمله‌ی آن‌هاست که هزاران لوح رسی و تکه‌های حاوی متون مربوط به قرن هفتم پیش از میلاد را در بر دارد. در میان این مجموعه می‌توان به لوح مشهور «گیلگمش» اشاره کرد. باید بگوییم، مهم‌ترین کارکرد کتابخانه‌ها انتقال میراث فکری ایرانیان بوده است. همچنین می‌توان گفت که مدرسه‌های ایران از قدیم کتابخانه داشته‌اند. کتابخانه‌های مدارس را می‌توان به دو دسته‌ی: کتابخانه‌های مدرسه‌های علوم دینی و کتابخانه‌های مدرسه‌های مدرن دسته‌بندی کرد. در این دسته‌بندی نیز می‌توان از کتابخانه‌های زیر یاد کرد که گنجینه‌هایی غنی و کتاب‌هایی شاخص از زمان خود داشتند و برای استفاده‌ی طالبان دین و دانش و محصلان این گونه مدرسه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

کتابخانه‌های مدرسه‌های نوین در ایران

– مدرسه‌هایی که مؤسسان آن‌ها ایرانی نبودند، مانند: مدرسه‌ی ادب اصفهان یا مدرسه‌ی البرز تهران، کتابخانه‌های معظم و بزرگی داشتند.

– مدرسه‌هایی که مؤسسان آن‌ها ایرانی بودند، مانند مدرسه‌ی مروی و دارالفنون در تهران یا مدرسه‌های رشدیه در تبریز، تهران و قم.

– مدرسه‌های دولتی که از ابتدا یک اتاق کوچک و چند قفسه به عنوان کتابخانه داشتند؛ البته مدرسه‌های بزرگ‌تر و دبیرستان‌ها، کتابساز و کتابخانه‌های بزرگ‌تری داشتند. در همین ارتباط و در مطالعات انجام شده، ۴۷ مدرسه‌ی ماندگار در ایران شناسایی



مصطفی قادری

به ویژه علمی و آموزشی و از جمله مدرسه، کتابخانه قلب آن نهاد و مرکز علمی است. به همین دلیل می توان گفت مدرسه ی بدون کتابخانه، ارگانسیمی (سازمانی) مرده است.

شاید خوب باشد در ابتدای بحث اشاره کنم، مشکلی که امروزه با آن مواجهیم، نسلی است که با غرق شدن در فضاهای مجازی، به خصوص دنیایی که به طور عمده تلفن همراه محور است، اساساً میانه های با کتاب خواندن یا مطالعه به شکلی که مؤثر و مورد نظر ماست، ندارد. از سال ۱۹۸۰ به بعد، چون کودکان به طور دائم با ابزارهای الکترونیک روبه رو هستند، بومی دیجیتال محسوب می شوند. در این ادبیات طرح شده، نسلی مثل من، «مهاجر دیجیتال» نامیده می شویم. مهاجر دوره و زمانه ای که در آن کتاب جایگاه اصلی خود را از دست داده و ما از موضوع مهمی مانند مطالعه غافل و فارغ شده ایم. راه دوری نمی رویم و نمی خواهیم دیگران را متهم کنیم، بلکه عرض می کنم من خودم، به عنوان استاد دانشگاه این کشور، کمتر فرصت می کنم یک کتاب ادبی، داستان یا رمان در دست بگیرم و آن را به طور کامل مطالعه کنم.

شاید پاسخ به این سؤال که چگونه کتابخانه ی مدرسه ای خوبی داشته باشیم، شروع خوبی برای این بحث باشد. از نگاه من، یکی از مهم ترین شرط های تحقق چنین امری، داشتن کتابداری بانگیزه، آگاه و با دانش و اطلاعات است. این را هم عرض کنم که اگر مدرسه ای کتابخانه دارد، بیشتر نشئت گرفته از ایده و نگاه شخصی مدیر آن است و متأسفانه الزامی برای وجود کتابخانه، به عنوان واحدی ضروری که باید در ساختار و سازمان مدرسه وجود داشته باشد و متولی و کتابدار مجربی آن را اداره کند، نیست. همچنین، حضور در فضاهای مجازی مانند تلگرام، واتس آپ، اینستاگرام و موارد مشابه، انسان ها را کوتاه خوان و بی حوصله کرده است. در این سال های اخیر، گاه شکلک ها و علائم تصویری نیز جایگزین متن شده اند و اساساً آنان را از خواندن و مطالعه (حتی در حد یک متن در فضای مجازی) بی بهره کرده اند.

من تجربه های مختصری در زمینه ی آموزش اولیا برای ترغیب کودکان به کتابخوانی داشته ام. به نظرم خوب است که آموزش و پرورش در مناسبت هایی مانند روز درختکاری، هفته ی کتاب و مناسبت های دیگر، با کارهای عملی و جذابی مثل بردن کودکان به فضاهای سبز و خواندن کتاب هایی در خصوص حفظ محیط زیست، مزه و طعم شیرین کتاب و کتابخوانی را به آنان بچشاند و اولیای مدرسه هم بکوشند دانش آموزان را متوجه کنند عادت به مطالعه و کتابخوانی می تواند در موفقیت آنان در زندگی فردی و اجتماعی مؤثر باشد.»

موجود زنده ای به نام کتابخانه

دکتر علیرضا صادقی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی،

شده اند که کتابخانه هایی با بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب داشتند. برخی از این مدرسه ها عبارت است از: دبیرستان های دارالفنون، مروی، سعدی اصفهان، بهشت آیین اصفهان، سعادت بوشهر، حکیم نظامی قم، و رشدیه تبریز. با وجود این سابقه ی تاریخی و قدمت وجود کتابخانه ها در ایران، در حال حاضر وضعیت مکانی کتابخانه در مدرسه های کشور و همچنین میزان زمان استفاده از کتابخانه، متأسفانه مطلوب نیست.»

مدرسه ی بدون کتابخانه، ارگانسیمی مرده است!

دکتر میترا صمیعی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و مدیر گروه علم اطلاعات و دانش شناسی این دانشگاه، سخنران بعدی نشست بود که درباره ی «ویژگی های کتابخانه ی خوب در مدرسه» سخن گفت. او افزود: «به اعتقاد بنده، در همه ی سازمان ها،



کتابخانه، به بازی و سرگرمی و استراحت هم نیاز دارند! کودکی که کتاب نبیند و نزد او کتاب نخوانده باشند، کتابخوان نخواهد شد.» **تا اولیا و معلمان کتاب نخوانند، دانش‌آموزان کتابخوان نخواهند شد!**

این نشست با سخنان خانم دکتر سیما ویسی‌نژاد، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی و متخصص حوزه‌ی مطالعات خواندن، ادامه پیدا کرد.

وی با اشاره به فعالیت‌های تحقیقاتی و تجربی خود اظهار داشت: «در حال حاضر، در دانشگاه‌هایی که فعالیت می‌کنم، کتابی را با عنوان «مروجان مطالعه» در دست نگارش دارم. در این کتاب روش‌های متعددی را که از مربیان سایر کشورها آموخته‌ام، بازنویسی و بازگو کرده‌ام.

یکی از این روش‌های خلاق، استفاده از کتاب‌های موزیکال است. در این روش، کتاب‌هایی در زیر میز دانش‌آموزان قرار می‌گیرند. با نواختن آهنگ، بچه‌ها باید دور میزها حرکت کنند و با توقف آهنگ، در جایی که ایستاده‌اند، بخشی از کتابی را که زیر میز مقابلشان قرار دارد، در عرض چند دقیقه‌ای که فرصت دارند، مطالعه کنند. این کتاب‌ها بعدها در جعبه‌ای با عنوان کتاب‌های موزیکال قرار داده می‌شود. بچه‌ها فرصت دارند بعد از این عمل و در پایان کار به کتابخانه مراجعه کنند و بسته به علاقه و نیاز خود، کتابی را که بخشی از آن را خوانده‌اند و به نظرشان جالب آمده است، به طور کامل بخوانند.

در روشی دیگر، آموزگار کتابی را در کلاس می‌خواند و از دانش‌آموزان می‌خواهد با برداشت و فهم خود از مطالب کتاب، نامی مناسب برای آن انتخاب کنند. بچه‌ها با خواندن آن به محتوای کتاب پی می‌برند و نام‌های انتخابی خود را روی کاغذ می‌نویسند و به آموزگار می‌دهند. با این شیوه، ضریب دقت خود را افزایش می‌دهند. تکنیک دیگر با عنوان «خواننده‌ی مرموز» استفاده می‌شود. در این تکنیک، آموزگار ضمن جلب مشارکت و همکاری والدین بچه‌ها، از آنان می‌خواهد کتابی را مطالعه و صدای خود را ضبط کنند. بعد از این کار، صداهای والدین که ممکن است پدر، مادر، دایی و خاله‌ی بچه‌ها باشند، در کلاس پخش می‌شود و دانش‌آموزانی که بتوانند زودتر نام خوانندگان کتاب‌ها را تشخیص دهند، تشویق می‌شوند. با این روش، ضمن مشارکت و همکاری و همراهی والدین بین بچه‌ها و والدین آن‌ها ارتباط بیشتر و بهتری ایجاد می‌شود و ضمناً به مطالعه‌ی کتاب ترغیب می‌شوند.

کتاب‌های از همه‌جا رانده در کتابخانه‌های مدرسه جاخوش کرده‌اند!

مهندس سید سعید بدیعی، معاون سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، آخرین سخنران این

سخنران بعدی این نشست بود که موضوع سخنرانی خود را به روایت تجربه‌ی ایجاد فرهنگ مطالعه در میان دانش‌آموزان ابتدایی، برگرفته از فرصت حضور در شهر ونکوور کانادا اختصاص داد.

وی گفت: «من در واقع به تجربه‌ی یک مدرسه اشاره خواهم کرد (که به دوران تحصیل دوره‌ی دکترایم در کانادا مربوط است) که دخترم در آن درس می‌خواند.

روزهای آغازین حضور در این کشور، فرصتی پیش آمد و به مدرسه‌ی دخترم رفتم. بعد از معارفه‌ای کوتاه، اولین جایی که رفتم، کتابخانه‌ی مدرسه بود. کتابخانه‌ی مدرسه به شکلی طراحی شده بود که در مدرسه، از هر زاویه‌ای که حرکت می‌کردیم باید از مجاورت یا میانه‌های کتابخانه می‌گذشتیم. در واقع به‌عنوان قلب و مرکز مدرسه، همه‌ی راه‌های آن مرکز آموزشی به کتابخانه‌ی خوش‌فرم و دوست‌داشتنی‌اش ختم می‌شد.

اینکه می‌گویم قلب، واقعاً کتابخانه، با جوش و خروش و جذابیتی که برای بچه‌ها و حتی بزرگسالان داشت، مرکز و محل گردش جریان حیاتی مدرسه و قلب واقعی آن بود. در مقایسه‌ی آن با کتابخانه‌های خودمان، متوجه شدم ما در ذهن خودمان کتابخانه را محیطی بی‌صدا و خاموش تصور می‌کنیم، اما رفتارها در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی فرزند من برعکس چنین انتظاری بود. هیاهوی سرخوشانه‌ی بچه‌ها فضای کتابخانه را پر کرده بود. آن‌ها می‌توانستند قبل یا بعد از مطالعه‌ی کتاب (که تنوع و انواع متعددی داشت) با اسباب‌بازی‌های مورد علاقه‌ی خود بازی کنند، در مبل‌های بادی و راحت کتابخانه لم بدهند، وسیله‌ی بازی مورد نظر خود را از فروشگاه مجاور کتابخانه بخرند و حتی در کنار والدین یا دوست‌تان خود چرتی جانانه بزنند و در خواب کوتاه خود دنیای رویایی کتاب‌هایی را که خوانده‌اند، مرور کنند.

من عنوان بخشی از صحبت‌م را «نحوه‌ی تعامل کتابخانه با دانش‌آموزان» ذکر کرده‌ام و به عمد از تعامل کتابخانه با دانش‌آموزان و نه تعامل دانش‌آموزان با کتابخانه (که ما موضوع را معمولاً این‌گونه می‌بینیم)، یاد کرده‌ام. معنی این حرف آن است که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های تأسیس و اداره‌ی کتابخانه‌ها، نیازها و خواسته‌ها و احتیاجات بچه‌ها دیده می‌شود و کتابخانه را براساس آن‌ها برپا و اداره می‌کنند. این‌گونه نیست که محیطی با عنوان کتابخانه ساخته شود و مثلاً بگویند به ما ارتباطی ندارد که بچه‌ها و مراجعان به

«فهرستگان منابع آموزشی مورد تأیید آموزش و پرورش، به تفکیک برای دوره‌های ابتدایی، متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم» چاپ و به تمامی مدرسه‌های کشور نیز ارسال می‌شود، اما باز هم در مراجعه به مدرسه‌ها، یا این فهرستگان وجود ندارد یا اینکه از آن استفاده نمی‌شود. خوب با چنین وضعیتی، باید پرسید ملاک انتخاب کتاب در جامعه و مدرسه‌های ما چیست؟ آیا اساساً فرهنگ مطالعه از فرهنگ جامعه جداست که ما بتوانیم بدون توجه و تعمق در مسائل فرهنگی موجود، تنها به فکر توسعه‌ی فرهنگ مطالعه در مدرسه باشیم؟

در سال گذشته ما تلاش کردیم و توانستیم در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی حدود ۴۰۰۰ جلد از این کتاب‌ها را گردآوری و بررسی کنیم که حدود نصف این کتاب‌ها جزو کتاب‌های مناسب دانش‌آموزان و کتابخانه‌های مدرسه تشخیص داده شدند. اما باز هم این پایان کار نیست، چون همان‌طور که عرض کردم، از همین ۵۰ درصد کتابی که مناسب تشخیص داده شده‌اند هم استفاده نمی‌شود.

دلیل آن هم این است که در کتاب‌های درسی ما و در نظام برنامه‌ریزی درسی در هیچ‌جا به کتاب‌های تکمیل دانش و دانش‌افزایی پیشرفت اشاره نشده است. بچه‌های امروز جامعه‌ی ما دیگر حاضر نیستند پای رسانه‌ی یکطرفه‌ای مانند کتاب بنشینند و از آنجایی که دسترسی آن‌ها فقط به کتاب محدود نیست، دست به انتخاب می‌زنند. حتی در مطالعه و خواندن به دنبال هیجان و گرفتن پاسخ نیازهای خود هستند. ما نباید از این موضوعات غفلت کنیم»

جلسه بود. او نیز با اشاره به این موضوع که من به لحاظ سازمانی در جایگاهی قرار دارم که کارم مطالعه‌ی کتاب است، اظهار داشت: «ما در معاونت سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی به دنبال رصد کتاب‌هایی هستیم که در طول سال چاپ می‌شوند. به دنبال دریافت و بررسی این کتاب‌ها، کتاب‌های مناسب آموزشی و کمک‌آموزشی را در کتابچه‌هایی با عنوان کتاب‌های مناسب معرفی می‌کنیم. البته در این معاونت، بسته‌ی آموزشی شامل کتاب، فیلم و چندرسانه‌ای کمک‌آموزشی بررسی می‌شود.

ما چند سال قبل در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، فیلمی را درباره‌ی محتوای کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های مدرسه‌های ساختیم که موضوعات زیادی را در خصوص رغبت نداشتن دانش‌آموزان به خواندن کتاب‌های موجود کتابخانه‌ها روشن کرد. بیشتر کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها، به لحاظ موضوعی، تناسب با سن و فهم مخاطبان، شکل و نحوه‌ی تدوین کتاب مناسب دانش‌آموزان و موضوعاتی از این دست، اصلاً مناسب دانش‌آموزان نبود.

شاید خوب باشد همین‌جا اشاره کنیم، دلیل اصلی چنین وضعیتی (جدای از نحوه‌ی تأمین کتاب)، نبودن فردی متخصص و آگاه به‌عنوان کتابدار است. خلأ وجود او باعث می‌شود هر کتابی وارد کتابخانه‌ی مدرسه شود، با وجود این‌همه نابسامانی که به برخی از آن‌ها اشاره کردم، باید عرض کنم در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، منبعی با عنوان «کتابنامه‌ی رشد» منتشر می‌شود که کتاب‌های مناسب مدرسه‌ای را در همه‌ی سنین و دوره‌های تحصیلی معرفی می‌کند. یا یکی دو سالی است منبعی دیگر با عنوان



سید سعید بدیعی



سیما ویسی‌نژاد